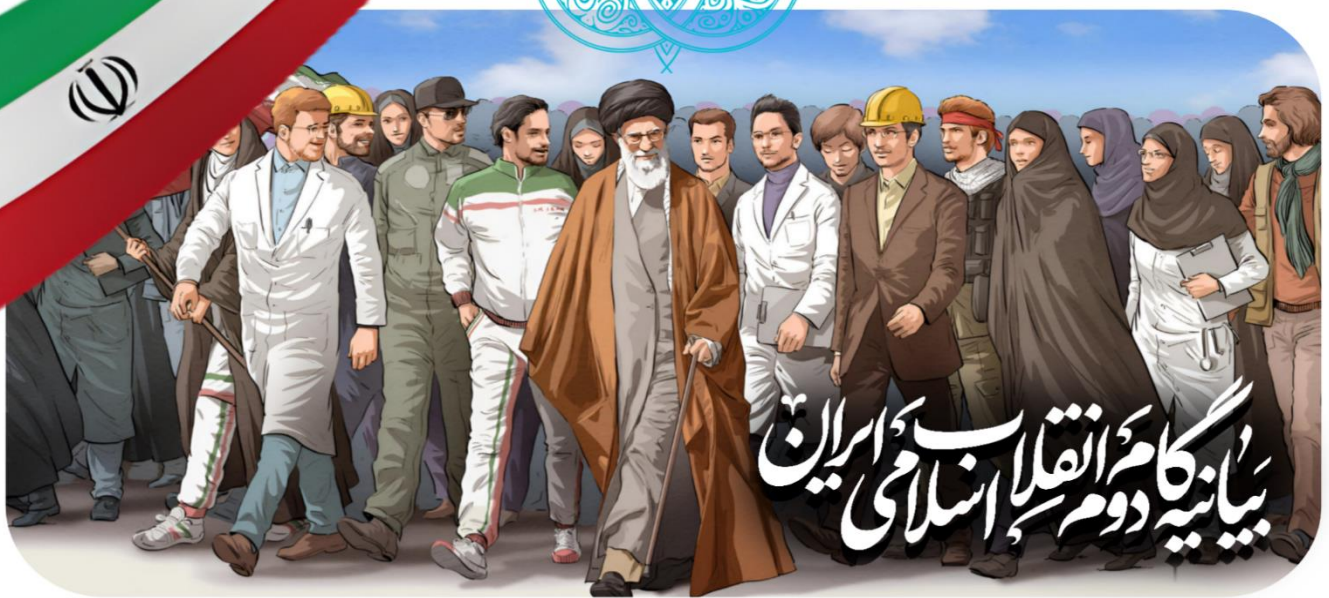




## طرح کلان رهبری

مدرس: **فلاح شیروانی**

مخاطب: **اعضاء شبکه گفتمان سازی طلاب حوزه علمیه خواهران**

**تهران ، پارک علم و فناوری بقیه الله (عج)**



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين.

اللهم صلى على محمد و آل محمد و عجل فرجهم.

## تبیین حرکت عمومی در طرح راهبردی رهبری

عرض شود مطلبی که بر عهده بنده است، بخشی از مطالبی است که در نظر گرفته شده در این چند روز مطرح شود. عنوان کلی این حرکت، "حرکت عمومی در طرح راهبردی رهبری" است. عرایض بنده باید متمرکز باشد روی تبیین حرکت عمومی در طرح راهبردی حضرت آقا. در این راستا، سه مبحث اصلی در نظر دارم:

۱. طرح راهبردی رهبری: در این بخش، به بررسی طرح راهبردی رهبری می‌پردازیم. این موضوع نیاز به تامل و مذاقه دارد، چرا که در جمع‌های ارزشمند و تاثیرگذاری مانند این محفل، انتظارات زیادی از بحث‌های عمیق و راهبردی وجود دارد. طرح راهبردی رهبری یکی از موضوعاتی است که باید به خوبی بررسی و تحلیل شود.

به تجربه دیدم که ما احتیاج به تامل در این باب داریم. در جمع‌هایی مثل این، که خودتان می‌دانید، چون همگی در این زمینه فعال هستید، می‌دانید که این جمع‌ها بسیار ارزشمندند و کارهای بزرگی از آنها برمی‌آید. توقع از این جمع‌ها بسیار بالاست. یکی از چیزهایی که خوب است بحث شود و مورد مذاقه قرار گیرد، طرح راهبردی رهبری است.

۲. بررسی حقیقت انقلاب اسلامی دومین بحث، بررسی حقیقت انقلاب اسلامی است. در این بخش، به کاری که حضرت آقا در مقدمه بیانیه انجام دادند، اشاره می‌کنیم. البته، قصد ندارم به طور دقیق به پنج نکته‌ای که ایشان فرمودند بپردازم، بلکه هدف، بررسی کلی این موضوع و اهمیت آن برای محافلی مانند این محفل ارجمند است.

این موضوع را توضیح می‌دهم که چرا برای محافلی مثل این محفل عزیز و ارجمند، این موضوع را معمولاً انتخاب می‌کنم و پیشنهاد می‌دهم که حتماً وقت بگذاریم و بحث کنیم.

## ورود به طرح راهبردی رهبری و آسیب‌های پیش رو

سومین بحث، ورود به طرح راهبردی رهبری است. بخش اول این طرح بر عهده بنده است و بقیه بخش‌ها در زمان‌های مناسب دیگر توسط سایرین ارائه خواهد شد. به نظر بنده، هیچ آسیبی بزرگ‌تر از انفعال جبهه انقلاب وجود ندارد. بعد از غیبت امام زمان (عج)، بزرگ‌ترین آسیبی که بشریت با آن مواجه است، انفعال جبهه انقلاب است. این جبهه انقلابی که حضرت امام (ره) درباره آن سخن گفتند، نیاز به توجه و تقویت دارد.

حضرت امام (ره) درباره جوان مومن انقلابی تعبیر خاصی داشتند. ایشان فرمودند که یکی از فتوحات بزرگ انقلاب، تربیت جوان مومن انقلابی است. این جوانان، با بصیرت و جهادی هستند و رهبری ما را به عهده دارند. این تعبیر، نشان‌دهنده اهمیت نقش جوانان مومن و انقلابی در ادامه راه انقلاب است.





## چالش‌های جبهه انقلاب و اهمیت طرح‌های راهبردی

این توصیف قطعاً یک توصیف راهبردی است و برخی از کسانی که برنامه‌ریزی‌های راهبردی می‌کنند، این‌طور نگاه نمی‌کنند، یعنی این وزن را به جبهه انقلاب نمی‌دهند. فتح‌الفتوح این است که حضرت آقا به آن اشاره کرده‌اند. این اندیشه‌ی فتح‌الفتوح تغییراتی در خود دارد و به فضای فکری حضرت امام نزدیک می‌شود. حضرت امام فتح‌الفتوح را تعریف کرده بودند، ولی حضرت آقا کمی آن را تغییر داده‌اند. امام می‌گفتند فتح‌الفتوح یعنی تربیت جوان مؤمن انقلابی. حضرت آقا هم همین لندیشه را ادامه داده‌اند، اما با این تفاوت که می‌گویند: «فتح‌الفتوح است و پیشرفت واقعی این است».

حضرت آقا تعبیر دیگری هم دارند و می‌گویند: «یک جوان مستعد و نخبه باید برای کشور آینده‌ای را فرض کند و این آینده را به تصویر بکشد و برای آن ایستادگی کند و هزینه بدهد.» این همان فتح‌الفتوح است و همان پیشرفت واقعی. این اندیشه، اندیشه‌ای است که حضرت آقا آن را به شکل جدیدی در آورده‌اند. در حقیقت، توجه دارند که امام چه گفته بودند و سپس آن را بسط داده‌اند.

در این فضای فکری، مشکلات هم وجود دارند. باید این مشکلات را حل کرد. اگر در حل مشکلات با چالش‌هایی مواجه شویم، آن چالش‌ها مهم‌ترین مشکلات خواهند بود. وقتی در نقطه‌ای هستیم که وزن راهبردی بالاست، مشکلات می‌توانند پدرجد مشکلات دیگری شوند. لذا به نظر من، اگر بخواهیم دقیق و با تامل صحبت کنیم، باید بگوییم که بزرگ‌ترین آسیب، انفعال جبهه انقلاب است. انفعال جبهه انقلاب دلایل متعددی دارد. یکی از این دلایل، نارسایی‌های نظری است. یکی از این نارسایی‌ها این است که جبهه انقلاب دقیقاً طرح راهبردی حضرت آقا را نمی‌شناسد.

طرح راهبردی یعنی شما مقاصد خود را مشخص کنید، ارزیابی‌های درونی و بیرونی انجام دهید، ظرفیت‌ها و تهدیدها را شناسایی کنید و به دنبال شناسایی نقاط قوت و ضعف باشید. سپس مسیری را تعریف کنید که به سمت مقاصد حرکت کند. اگر قرار است حرکت کنید، باید نقشه‌ای داشته باشید. حضرت آقا این نقشه را برای ظرفیت‌هایی که انقلاب اسلامی، تاریخ حیات اسلامی و ایران در اختیار ما قرار داده، ترسیم کرده‌اند. باید بدانیم که این نقشه چیست و چطور از این ظرفیت‌ها استفاده می‌شود تا به مقاصد انقلاب برسیم.

حضرت امام نیز طرح راهبردی خود را داشتند. این طرح‌ها برای کسانی که خوب فهمیده‌اند، بسیار واضح است. برای مثال، حضرت امام روی جنگ اصرار می‌کردند. بسیاری از سوالات در این زمینه از اهمیت طرح راهبردی امام ناشی می‌شود.

## طرح‌های امام علی (علیه‌السلام) و امام حسین (علیه‌السلام)

آقا امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) بعد از ضربه سقیفه چه طرحی داشت؟ ایشان فرمودند: «یک سنتی در نفهمیدن طرح امام راه افتاده است.» با این همه عشقی که به اهل بیت (علیهم‌السلام) داریم، خوب نیست که طرح‌هایشان را شناسیم. اینجا هم باید تأمل کرد که خود حضرت آقا تا حدودی گرفتار این قضیه شدند که حتی بچه‌های انقلاب هم طرح ایشان را نمی‌شناسند. البته خدا را شکر که حرف‌شان را گوش می‌دهند، ولی هنوز خیلی‌ها طرح‌ها را نمی‌دانند.



## چرا حضرت امام بر جنگ اصرار داشتند؟

کدام رئیس مملکتی است که حضرت امام چرا روی جنگ اصرار داشتند؟ تا یک هفته قبل از پذیرش قطعنامه ۵۹۸، حضرت امام می‌فرمودند که هر کسی حرف از صلح بزند، خائن است. چرا؟ مگه جون و جوان‌ها و سرمایه‌های این کشور رو همین‌طور از کنار جوی بدست آوردید؟ شما می‌خواهید بجنگید! در طرح راهبردی حضرت امام در آن مقطع، ما می‌بایست می‌جنگیدیم. دقت کنید، این طرح، طرح دیگران نبود. شما می‌دانید که طرح دیگران اصلاً چنین چیزی نبود. بالاخره حضرت امام رو متوقف کردند و خود شما هم می‌دانید که خیلی زحمت کشیدند تا امام رو متوقف کنند

## آیا طرح راهبردی حضرت آقا به درستی بررسی شده است؟

خب، طرح راهبردی حضرت امام، طرح راهبردی حضرت آقا، بنده سراغ ندارم که ما طی این چهل سال، حداقل طی این سی سال، یک میز تخصصی در جمع بچه‌های حزب‌اللهی یا در محیط‌های پژوهشی مان گذاشته باشیم و طرح راهبردی حضرت آقا را بحث کرده باشیم. من سراغ ندارم، شما سراغ دارید؟ کجا؟ بله، طرح راهبردی حضرت آقا را بحث کردند، بفرمایید! در دانشگاه تهران؟ خب، این مباحث به بندهایی تبدیل شده‌اند و اثر هم گذاشته‌اند. خیلی خوب است که این کار انجام شده، اما چه مدت است؟ دو سال؟ خیلی خوب است. هرچند دیر، ولی واقعاً باید خوشحال باشیم و چشم این عزیزان را ببوسیم که چنین کاری را آغاز کرده‌اند. مسجد ارک هم که یکی از پایگاه‌های مهم این بحث است. باز هم خوب است، هر کسی که این کار را آغاز کرده، باید از آن تقدیر کرد. اینکه حضرت آقا طرح دارند، باید در ذهن همه باشد. حالا، من بیرون از جلسه تفصیلی می‌پرسم، دوست دارم کسانی که این کار را انجام می‌دهند را ببینم. حضرت آقا به عنوان کسی که نازل منزله پیامبرانه دارند و نائب امام زمان (علیه‌السلام) هستند، باید نقشه امام زمان را روی زمین دنبال کنند. حالا، چه طرحی دارند؟ طرح راهبردی حضرت آقا چه چیزی است؟ مثلاً یک ضلع از طرح راهبردی ایشان، خود قانون اساسی است. آیا این عزیزان به این پرداخته‌اند یا نه؟ قانون اساسی چه جایگاهی در ذهن حضرت آقا دارد؟ این قانون اساسی، خروجی‌ای دارد و حضرت آقا به این خروجی چه‌گونه نگاه می‌کنند؟ برای این خروجی چه وزنی قائل هستند؟

## رواج نداشتن مباحثه درباره طرح راهبردی مقام معظم رهبری

ولی یک نکته قطعی و مسلم دیگر هم این است که مباحثه درباره طرح راهبردی مقام معظم رهبری رواج ندارد. حضرت آقا قبل از انقلاب شکایت می‌کردند که شیعه خوب حضرات اهل بیت (علیهم‌السلام) را شناخته و با عشق و باور به آنها تربیت شده است، ولی فقط یک نکته وجود دارد. آن هم این است که حاضره برای آقا امام صادق (علیه‌السلام) بمیرند، ولی نمی‌دانند طرح امام صادق (علیه‌السلام) چیست! این تعبیر حضرت آقا است: «طرح امام صادق چیست؟» طرح امام حسین (علیه‌السلام) چیست؟ این بزرگانی که از نخبگان طول تاریخ و نخبه‌تر از همه هستند، چه طرحی دارند برای محیطی که قطعاً محدود به چند شهر یا حتی قلمرو اسلام نیست. چه طرحی برای تعامل با این محیط دارند؟



## پروژه‌های پژوهشی درباره دیدگاه‌های حضرت آقا

ایشون، به تعبیر خودشون، یک اصطلاح بین خودشان داشتند که می‌گفتند «آقا پژوه». در سال ۱۳۹۲ پروژه‌ای به ایشان داده شده بود که دیدگاه‌های راهبردی حضرت آقا درباره پاکستان را بررسی کنند. آن زمان به اسنادی دسترسی پیدا کرده بود که قبلاً در بیت به او داده نمی‌شد. ایشان دو بار بسیار خوشحال بودند. اولین بار به خاطر این بود که اسنادی را که سال‌ها می‌دوید تا به دست بیاورد، به او دادند. بعد از آن، پروژه‌ای که به او داده بودند و اسنادی که به دست آورد، باعث شد خوشحال‌تر شود. ارشادش می‌گفت که بعد از آن ایشان می‌گفتند: «فلانی، من از میان این اسناد ۳۰۰ صفحه مطلب جمع کردم. حضرت آقا درباره پاکستان فکر کرده‌اند و حرف زده‌اند. من خودم دارم دیوانه می‌شم! بابا، این آدم با این همه مشغله، ۳۰۰ صفحه درباره پاکستان حرف زده است.» وقتی از ایشان پرسیدم که آیا چیزی از این مطالب حذف کرده‌اند، گفتند: «نه، خیلی خوب بود. سطح مطالب خیلی خوب بود.» ایشان خودشان مدرس برنامه‌ریزی راهبردی بودند و بسیار تعجب کرده بودند که چطور یک فرد با این همه مشغله به چنین سطح بالایی از تحلیل در مورد پاکستان دست پیدا کرده است. ایشان بررسی کرده بودند که آسیب‌های موجود در پاکستان چیست و چطور باید به آن‌ها پاسخ داد. این نشان می‌دهد که حضرت آقا در حوزه‌های مختلف، حتی در جزئیات کشورهای دیگر، تفکر راهبردی عمیقی دارند.

## کمیود توجه به طرح‌های راهبردی حضرت آقا

ببینید، بحث کلی طرح راهبردی حضرت آقا را ول کنید. در واقع، ما در این جا متضرر شدیم که به این موضوعات توجه کافی نکردیم. قطعاً اگر من و شما را مشغول می‌کردند با طرح راهبردی حضرت آقا، همه ما یک سطح بالاتر می‌رفتیم. البته حضرت آقا به زور و با تلاش خودشان ما را بالا برده‌اند، ولی اگر ما در این زمینه بیشتر کار می‌کردیم، حالا باید حداقل هزار تا دو هزار پایان‌نامه در ارتباط با گوشه‌های مختلف طرح راهبردی حضرت آقا نوشته می‌شد. اگر این کار را کرده بودیم، همه رشته‌ها باید در این زمینه کار می‌کردند. از علوم سیاسی تا جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و حتی تربیتی‌ها، همه باید پروژه‌هایی در این زمینه می‌داشتند و کار می‌کردند. این طرح راهبردی حضرت آقا به غنای خود می‌رسید. متأسفانه، فرصت نیست که مثال‌هایی بزنم که نشان دهد ما واقعاً در این زمینه خسارت دیده‌ایم که به طرح راهبردی حضرت آقا توجه نکردیم. الان، نمی‌خواهم وارد جزئیات طرح راهبردی حضرت آقا بشوم، چون خود من هم تسلط کامل ندارم. اما یک نکته مهم وجود دارد که الان وقت آن رسیده که این ادعا را ثابت کنیم. آن هم این که طرح راهبردی حضرت آقا اکنون یک «مرکز ثقل» پیدا کرده است. این مرکز ثقل برای ما هم همان مرکز ثقل است که اگر بخواهیم کار کنیم و خوب کار کنیم، بسیار جلو خواهیم افتاد. اگر روی این مرکز ثقل تمرکز کنیم و مسلط شویم، خیلی هماهنگ‌تر با حضرت آقا خواهیم بود.

## بیانیه گام دوم: نسخه راهبردی حضرت آقا

این مرکز ثقل همان چیزی است که حضرت آقا دست به قلم شده‌اند و بیانیه گام دوم را نوشته‌اند. بیانیه گام دوم قطعاً یک نسخه راهبردی است که یک رهبر برای بهبود و شکوفایی جامعه‌ای که مسئولیت آن را بر عهده دارد، نوشته است. حضرت آقا یک نسخه راهبردی نوشته‌اند، نه یک متن علمی صرف. درست است که غنای علمی زیادی در آن وجود دارد، اما باید به آن به عنوان یک نسخه درمانی و راهبردی نگاه کرد، نه یک تحقیق علمی خشک و خالی. بیانیه گام دوم، برخلاف برخی تصورات، تنها یک متن فلسفی یا علمی نیست، بلکه نسخه‌ای برای بهبود و اصلاح جامعه است. بسیاری از بزرگان که به این بیانیه تامل کرده‌اند، غنای علمی و گزاره‌های پر وزن آن را دیده‌اند. این بیانیه به روشنی و با وضوح بالا نقاط قوت و ضعف جامعه را تحلیل کرده و راهکارهایی برای بهبود آن ارائه داده است.





## بیانیه گام دوم: ایده جدیدی برای حل مسائل ملی

بیانیه گام دوم حضرت آقا، یک بسته راهبردی است. به خصوص در آن یک یا دو هفته آخر که ایشان در صحبت‌هایشان بیان کردند که از همه مهم‌تر، امید آفرینی است. البته نباید اینطور بیان کرد که فقط «امید» مطرح است؛ بلکه باید بگوییم که در این بیانیه، حضرت آقا یک ایده جدید برای حل مسائل ملی مطرح کرده‌اند. این ایده شاید در ظاهر بیانیه به خوبی مشخص نباشد، اما در سخنرانی‌های بعدی که تفسیری از بیانیه گام دوم بود، به روشنی معلوم شد که ایشان یک الگوی جدید برای حل مسائل ملی دارند.

دقت کنید عزیزان، باید این ایده را خوب بشناسیم. واقعاً وقتی وقت صرف می‌شود، باید منطقی باشد و از رهگذر بحث و مباحثه با یکدیگر به عمق این ایده پی ببریم. این نوع گفتگوها و نشست‌ها به ما این امکان را می‌دهد که به فهم درستی از طرح‌ها و نظرات حضرت آقا برسیم. طرح راهبردی حضرت آقا، در واقع یک دال مرکزی نظری دارد که می‌توان آن را در یک جمله خلاصه کرد. این همان مفهومی است که در بیانیه حضرت آقا به وضوح آمده: «قیام جوانان برای ساختن ایران». این جمله شاید در نگاه اول ساده و عمومی به نظر برسد، ولی در واقع این جمله نیاز به بررسی و تحلیل در سطوح مختلف دارد.

### دعوت و دستور رهبری: یک تبیین ضروری

یکی از مسائل مهم این است که «دعوت و دستور رهبری» به خوبی تبیین شود تا معلوم شود که چقدر غنای نخبگانی دارد و این دعوت چگونه انسجام و همبستگی در جبهه انقلاب ایجاد می‌کند. وقتی حضرت آقا بیان می‌کنند که باید زنجیره تاثیر را ایجاد کرد، یا وقتی به ایجاد دپارتمان‌های مختلف برای توأسی به حق و جهاد کبیر اشاره می‌کنند، در واقع منظورشان یک حرکت هماهنگ و هدفمند است. متأسفانه گاهی این دستورها به درستی منتقل نمی‌شود و باعث انفعال در جبهه انقلاب می‌شود. خیلی از سازمان‌ها که خود را سربازان حضرت آقا می‌دانند، در این فرآیند دچار انفعال شده و نمی‌توانند به درستی این پیام‌ها را دریافت کنند.

### انفعال ناشی از ناهماهنگی در اجرای دستورها

این انفعال، به دلیل عدم درک صحیح از پیوستگی و انسجام در دستورهای حضرت آقا است. وقتی هر دستور به صورت جداگانه و بدون هماهنگی مناسب اجرا می‌شود، نتیجه آن گیج شدن و سردرگمی در جبهه انقلاب است. حتی با تمام ستادهایی که تشکیل می‌دهند، به جای حرکت در مسیر درست، بیشتر وقت‌ها به برگزاری رویدادها و برنامه‌های پرهزینه می‌پردازند که تنها هزینه‌های مالی و زمانی را بالا می‌برد، بدون اینکه نتیجه ملموسی داشته باشد.

### ضرورت تبیین بهتر دستور رهبری برای انسجام جبهه انقلاب

اگر دستورهای حضرت آقا به طور دقیق و روشن تبیین شوند، این توانایی را خواهند داشت که تمام ایده‌های حضرت آقا، ایده‌های راهبردی و عملیاتی ایشان را جمع‌آوری کنند و به یک حرکت منسجم تبدیل کنند. این انسجام و هماهنگی می‌تواند پیامدهای بزرگی داشته باشد و منجر به اجرای موفق طرح‌ها شود. به همین دلیل، یکی از مهم‌ترین اولویت‌ها در این مسیر، تبیین درست و جامع دستور رهبری است. وقتی این کار به درستی انجام شود، آثار مثبت آن در جبهه انقلاب و جامعه به وضوح قابل مشاهده خواهد بود.



## بنای راهبردی حضرت آقا: ایده‌ای برای رفع چالش‌ها

حضرت آقا در مسیر چهار دهه پس از انقلاب اسلامی، یک حادثه تاریخی و تحول‌آفرین را رقم می‌زنند که فراتر از اتفاقات روزمره است. این یک حادثه‌ای است که هم‌راستا با آرزوهای پیامبران شکل می‌گیرد. این‌طور به نظر می‌رسد که بیانیه‌های ایشان نه تنها یک تحلیل ساده، بلکه یک تغییر ریشه‌ای در مسیر انقلاب اسلامی است. این تغییر یک‌سری پدیده‌ها و تفکرات جدید را به همراه دارد که به آن باید توجه ویژه‌ای داشت. در این متن، ما وارد بحث اول این بیانیه خواهیم شد که برخی از سرفصل‌ها را به آن اختصاص داده‌ایم.

یکی از موضوعات مهم در بیانیه حضرت آقا، بنای راهبردی است که در آن ضرورت‌های گوناگونی برای انقلاب اسلامی مطرح شده است. این ضرورت‌ها می‌تواند به‌عنوان یک نقشه راه در برابر چالش‌های مختلف انقلاب قرار گیرد. در این راستا، یکی از مهم‌ترین محورهای این راهبرد، **تولید علم تمدن‌گرا** است. این امر باید به‌طور جدی در سطح معرفت‌شناختی مطرح شود. به عبارت دیگر، ما باید نگرش‌های اسلامی به مقوله معرفت را در سطح جامعه معرفی کنیم و در این راستا قیام جوانان به عنوان یکی از نیروهای اصلی باید پشتیبان تولید علم و توسعه معرفت اسلامی باشند.

## تحلیل مسائلی مانند حجاب در بستر راهبردی

مسئله دیگری که در بیانیه حضرت آقا به آن پرداخته شده است، موضوع **حجاب** است. یکی از ابعاد مهم راهبردی، تحلیل صحیح و جامع از مسائل اجتماعی مثل بدحجابی است. بدحجابی‌هایی که در سطح اجتماعی به‌ویژه سازماندهی شده است، باید به‌طور جدی مقابله شود. اما در مقایسه با موارد فردی مانند کوتاهی در نماز شب، این مسائل می‌تواند در بستر تغییرات اجتماعی و فرهنگی حل شود. بدحجابی‌های سازمان‌دهی شده را باید در حد امکان مهار کرد، اما برای حل مشکل عمومی باید بر شناخت اجتماعی و فرهنگی توجه ویژه‌ای داشت.

در حوزه **تعلیم و تربیت**، اگرچه نخبگان ما وارد این حوزه شده‌اند و تجربیات مثبتی داریم، اما همچنان در زمینه ایده‌سازی تمدنی در تعلیم و تربیت منفعل هستیم. تعلیم و تربیت اسلامی و رشد فکری و فرهنگی در این زمینه به‌طور جدی در حال پیشرفت نیست و باید برای رسیدن به یک هدف مشترک در این حوزه تلاش بیشتری انجام دهیم. بنابراین باید پروژه‌های حضرت آقا در این زمینه را جدی بگیریم، زیرا این پروژه‌ها می‌تواند به‌طور چشم‌گیری نیازهای انقلاب اسلامی در این حوزه‌ها را برآورده کند.

## نقشه راهبردی حضرت آقا: قیام جوانان برای ساختن ایران

اگر بخواهیم در یک کلمه، دال مرکزی طرح راهبردی حضرت آقا را بیان کنیم، باید بگوییم که این دال مرکزی همان **"قیام جوانان برای ساختن ایران"** است. این قیام در واقع محور اصلی طرح‌های حضرت آقا برای حرکت در مسیر توسعه و پیشرفت است. برای تحقق این امر، باید بر روی آموزش و پرورش، فرهنگ‌سازی و مدیریت منابع انسانی در جهت این قیام تمرکز کرد.

پیشنهاد بنده این است که هر بحث جدی درباره تعالی ایران و آینده این کشور مطرح می‌شود، باید با یک **مرور دقیق بر انقلاب اسلامی** آغاز شود. این مرور باید شامل تحلیل‌های مختلفی از حقیقت انقلاب اسلامی باشد. به عبارت دیگر، پیش از هرگونه بحث درباره آینده ایران، باید دوباره به تحلیل ریشه‌های انقلاب اسلامی و اهداف بلندمدت آن بپردازیم. این کار به ما کمک می‌کند تا در راستای حل مشکلات و تعالی ایران، با دیدگاهی جامع و همه‌جانبه وارد عمل شویم.



## ضرورت تبادل نظر و تعامل در مسیر پیشرفت

زمانی که ما به این مباحث می‌پردازیم، باید این نکته را مدنظر داشته باشیم که باید به گفتگو و تبادل نظر اهمیت بدهیم. تنها از این طریق می‌توانیم به عمق فهم خود از موضوعات برسیم و ایده‌های جدیدی برای حل چالش‌ها بیابیم. این گفتگوها نه تنها ما را به عنوان جامعه مسلمان به جلو می‌برد، بلکه به ما کمک می‌کند تا در تعامل با یکدیگر، راه‌حلهایی برای مسائل مشترک پیدا کنیم.

انقلاب اسلامی ایران تنها یک شورش اجتماعی نیست که مردم از نظام حاکم ناراضی بودند و قیام کردند. بلکه انقلاب اسلامی یک اندیشه است که در برابر دو دیدگاه غالب اومانیستی غرب و شرق (لیبرالیسم و کمونیسم) قرار گرفت. حضرت آقا در بیانیه‌های خود به این نکته اشاره کرده‌اند که در دوران قبل از انقلاب، تحلیل‌ها و تدابیر عمدتاً بر اساس این دو مکتب فکری انجام می‌شد. اما انقلاب اسلامی با شعار "نه شرقی، نه غربی" یک نگاه متفاوت و تعهدی عمیق به اسلام ارائه داد که در بیانیه‌های حضرت آقا به وضوح بیان شده است. این انقلاب، جامع‌ترین، متعادل‌ترین و ژرف‌ترین تفسیر از اسلام است و به عنوان یک ماموریت بزرگ تاریخی برای تغییر جهان در نظر گرفته می‌شود. انقلاب اسلامی ایران، به جای اینکه فقط به فکر نجات خود باشد، در حال ویرایش نظم جهانی است و عصر جدیدی را رقم می‌زند.

## ماموریت بزرگ انقلاب اسلامی

یکی از نکات کلیدی که باید به آن توجه کنیم، این است که انقلاب اسلامی ایران یک ماموریت بزرگ تاریخی است. این ماموریت نه تنها هویت ایرانیان را شکل می‌دهد، بلکه به همه مردم ایران یک هویت افتخارآمیز می‌دهد که از موفقیت‌های این انقلاب تغذیه کرده و آن را به یک سرمایه اجتماعی تبدیل کرده است.

حضرت آقا تأکید دارند که باید هویت انقلاب را حفظ کرد و جلوی هویت‌زدایی که دشمنان به طور سیستماتیک انجام می‌دهند را گرفت. این موفقیت‌ها و دستاوردها باید به طور عمومی شناخته شوند، زیرا بسیاری از موفقیت‌های انقلاب اسلامی همچنان پنهان مانده است. تحلیل حضرت آقا از انقلاب اسلامی این است که انقلاب ما به طور مستقیم و بی‌واسطه ویرایشگر نظم جهانی است. این انقلاب نه تنها به دنبال نجات خود است بلکه قصد دارد یک تغییر جهانی ایجاد کند. این پدیده به عنوان یک منبع الهام برای دیگر کشورها و ملت‌ها در حال ظهور است. حضرت آقا در یکی از سخنرانی‌های خود در مورد جنگ تحمیلی فرمودند که این جنگ مانند قیام امام حسین (ع) است که علیرغم مدت زمان کوتاه، پیام زندگی گسترده‌ای به همراه دارد. این قیام‌ها و حرکت‌ها در واقع از جنس آرمان‌های بزرگ هستند و به طور مشابه انقلاب اسلامی، به عنوان یک پدیده تأثیرگذار در تاریخ بشر شناخته می‌شود.

## چشم‌انداز بزرگ انقلاب اسلامی

حضرت آقا در بیانیه گام دوم انقلاب به وضوح اشاره کرده‌اند که برای دستیابی به چشم‌انداز بزرگ انقلاب اسلامی که در پی تمدن اسلامی است، نیاز به یک حرکت عمومی داریم. این حرکت عمومی باید از عموم مردم ایران شروع شود و به یک جریان سراسری تبدیل شود.

یک نکته مهم این است که این حرکت عمومی نه تنها لازم است بلکه باید منظم و عقلانی باشد. حضرت آقا تأکید دارند که حرکت‌های عمومی اگر با غوغا و بلبشو همراه باشند، ارزشی ندارند. این حرکت عمومی باید با منطق، نظم و عقلانیت همراه باشد تا بتواند به اهداف بلند مدت انقلاب دست یابد.

برای رسیدن به چشم‌انداز بزرگ انقلاب اسلامی، حضرت آقا ویژگی‌های مهمی را برای حرکت عمومی در نظر گرفته‌اند:

منظم و منطقی: حرکت باید منضبط و بدون آشوب باشد.







## حرکت عمومی و اراده ملی

حضرت آقا در بیانیه‌های خود بر اهمیت حرکت عمومی برای تحقق اهداف انقلاب اسلامی تأکید کرده‌اند، ولی آنچه که در اینجا مطرح می‌شود این است که حرکت عمومی باید حاوی اراده ملی باشد. اراده ملی به‌عنوان یک نیرو و حرکت عمومی است که از دل مردم شکل می‌گیرد. این اراده ملی همان‌طور که در متن شما اشاره شده، یک حادثه انسانی است که برای حضرت آقا اهمیت زیادی دارد. حضرت آقا بیان می‌کنند که برای رسیدن به تمدن اسلامی و تمهید ظهور امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف)، ما باید به یک اراده ملی واحد برسیم که از حرکت عمومی مردم ناشی می‌شود.

این دو مقوله از هم تفکیک نمی‌شوند و برای حضرت آقا، ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای ظهور به هم پیوسته‌اند. انقلاب اسلامی نه تنها به دنبال تحقق یک تمدن اسلامی است، بلکه در این مسیر در تلاش است تا آمادگی لازم را برای ظهور امام زمان ایجاد کند. این نکته در بیانیه حضرت آقا به وضوح آمده است که دهه‌های آینده، دهه‌های جوانان است و شما (جوانان) باید برای این هدف بزرگ تلاش کنید.

## حاکمیت مردم و حکمرانی مردمی

یکی از مفاهیم اصلی که در این بخش مطرح می‌شود، بحث حاکمیت مردم و حکمرانی مردمی است. حضرت آقا تأکید دارند که حاکمیت مردم باید در اولویت باشد و نه صرفاً حکمرانی مردمی. این تفاوت مهم است؛ حکمرانی مردمی ممکن است به معنای مدیریت و اداره امور مردم توسط نخبگان یا گروه‌های خاص باشد، اما حاکمیت مردم به این معناست که مردم به‌طور مستقیم بر سرنوشت خود حاکمیت دارند. این نکته خیلی مهم است، چرا که بسیاری از رویکردهای مدرن به‌طور اشتباه از حکمرانی مردمی به‌عنوان همان حاکمیت مردم یاد می‌کنند، در حالی که در اندیشه حضرت آقا و امام خمینی (ره)، تأکید اصلی بر حاکمیت مردم است.

## تحلیل و حکمت نهفته در جمله‌های حضرت آقا

در نهایت، شما به جملات مهم حضرت آقا اشاره کرده‌اید که بر روی آن‌ها تأمل عمیق داشته‌اید. به عنوان مثال، جمله‌ای که حضرت آقا فرمودند: "غایت طلبگی تبلیغ است"، برای شما در ابتدا مفهوم روشن و واضحی نداشت، اما بعد از گذشت زمان متوجه شدید که این جمله در واقع عمق کار روحانی و حوزوی را روشن می‌کند. این نوع جملات و مفاهیم به ما کمک می‌کنند تا درک بهتری از ماهیت انقلاب اسلامی و اهداف آن پیدا کنیم. حضرت آقا در بسیاری از موارد، جملات کوتاه و مختصر خود را به‌گونه‌ای بیان می‌کنند که عملاً نیاز به تحلیل و تفکر عمیق دارد تا معنای اصلی آن‌ها روشن شود.

**حرکت عمومی** که در دل خود **اراده ملی** را نهفته دارد، یک پیش‌نیاز برای تحقق اهداف انقلاب اسلامی است. اراده ملی به معنای یک حرکت جمعی و همگرا از سوی مردم است که بر اساس اندیشه و اراده‌ای مشترک شکل می‌گیرد.

**تمدن اسلامی و آمادگی برای ظهور امام زمان** دو هدف بزرگ هستند که در بیانیه‌های حضرت آقا مطرح شده

**حاکمیت مردم** باید هدف اصلی باشد، نه فقط **حکمرانی مردمی** که ممکن است از سوی گروه‌های خاصی مدیریت شود.

تفکرات عمیق حضرت آقا و امام خمینی (ره) نیاز به **تحلیل دقیق** دارند، جملات کوتاه آن‌ها در واقع حکمت‌های بزرگی را در خود دارند که درک آن‌ها به زمان و تأمل نیاز دارد.



## نقش امام در تحول حکومتی و اراده ملی

حضرت امام در پیام تبریک دوازدهم فروردین به صراحت از «امامت امت» سخن گفت. ایشان پیش‌تر از «ولایت عامه» یاد کرده بود، اما به دنبال آن بود که مردم را رهبر خود بدانند. امام بارها تأکید می‌کرد که خود را رهبر نمی‌داند، بلکه این مردم هستند که رهبری را بر عهده دارند. این نگاه، برخلاف تصور رایج که آن را نوعی تواضع تلقی می‌کرد، یک دیدگاه عمیق و قرآنی بود.

میرحسین موسوی در خاطراتش نقل می‌کند که امام خمینی گفته بود: «مردم از ما جلوترند.» او که در کنار امام نشسته بود، با تعجب پرسید: «حضرت امام، ولی دیگر از شما جلوتر که نیستند؟» و امام با تأکید پاسخ داد: «نه‌خیر، از من هم جلوترند.» این بیان، نشانگر درک عمیق امام از جایگاه مردم در نظام جمهوری اسلامی بود.

## از حکومت استبدادی تا مردم‌سالاری حقیقی

تحول بنیادی که امام ایجاد کرد، تنها به سرنگونی سلطنت استبدادی و جایگزینی آن با یک حکومت مردمی محدود نشد. بلکه ایشان مفهوم «مردم‌سالاری» را فراتر از یک نظام اداری دانسته و آن را در قالب «حکمرانی مردمی» تعریف کرد. امام در دیدارهای خود به صراحت می‌گفت که خداوند اراده دارد امت را به جایگاه امامت برساند.

رهبر انقلاب نیز تأکید دارند که امام خمینی، «عنصر اراده ملی را که جان‌مایه پیشرفت همه‌جانبه و حقیقی است، در کانون مدیریت کشور وارد کرد.» این جمله، مبنای نظری مهمی در مکتب امام محسوب می‌شود. به تعبیر ایشان، اگر بخواهیم تمام اهداف انقلاب اسلامی را در یک واژه خلاصه کنیم، آن واژه «پیشرفت» خواهد بود. این پیشرفت در افق تمدنی تعریف می‌شود و نیازمند نظریه پایه‌ای است که اراده ملی را به عنوان روح تحول معرفی می‌کند.

با این نگاه، نمی‌توان صرفاً به شعارها و ظواهر اکتفا کرد؛ بلکه باید به بنیان‌های فکری امام توجه نمود. نظریه «اراده ملی به عنوان جان‌مایه پیشرفت» یکی از کلیدی‌ترین مباحث در اندیشه امام خمینی است که نباید از آن غافل شد.

## اراده ملی و نقش جوانان در مدیریت کشور

رهبر انقلاب در بیانیه‌ای مهم تأکید کردند که «انقلاب اسلامی ایران، اراده ملی را در کانون مدیریت کشور وارد کرد.» این جمله‌ای عمیق و اساسی است که از نظر مفهومی بسیار سنگین محسوب می‌شود. پیش‌تر از اصطلاحات رایج مانند «حکومت مردمی» و «مردم‌سالاری» استفاده می‌شد، اما اینجا ایشان به شکل فنی‌تری بیان می‌کنند که اراده ملی باید در مرکز مدیریت کشور جای بگیرد. این نگاه، صرفاً یک شعار نیست؛ بلکه نظریه‌ای پایه‌ای است که اراده ملی را «جان‌مایه پیشرفت همه‌جانبه و حقیقی» می‌داند.

این گزاره، یکی از کلیدی‌ترین اصول در بخش نظری بیانیه است و در سطحی فراتر از مفاهیم عمومی حکومت مردمی مطرح می‌شود. اما این نظریه فقط به اراده ملی محدود نمی‌شود، بلکه ارتباط مستقیمی با حضور جوانان در میدان مدیریت و تحول دارد. رهبر انقلاب بیان می‌کنند که وقتی اراده ملی در مرکز امور باشد، جوانان به میدان‌داران اصلی حوادث و مدیریت تبدیل می‌شوند. در واقع، پذیرش اراده ملی به معنای پذیرش نقش جوانان در اداره کشور است.

بالاین حال، حتی در میان جریان‌های انقلابی نیز همیشه این پذیرش وجود نداشته است. بسیاری حاضر نبوده‌اند که میدان را به جوانان بسپارند، زیرا تصور می‌کنند که ناپختگی و تجربه کم، می‌تواند آسیب‌زا باشد. اما مسئله اینجاست که بدون میدان دادن به جوانان، هیچ تحولی صورت نمی‌گیرد. برخی نگران اشتباهات جوانان هستند، اما پیشرفت بدون پذیرش ریسک و هزینه ممکن نیست.



## غرب‌زدگی و مانع تحقق اراده ملی

رهبر انقلاب تأکید دارند که بزرگ‌ترین مانع تحقق اراده ملی، غرب‌زدگی است. غرب‌زدگی نه تنها وابستگی فکری به فرهنگ بیگانه است، بلکه مانع تحقق اراده ملی اصیل و عمیق در جامعه می‌شود. این یک مسئله بنیادی است، زیرا تا زمانی که ذهن و نگرش جامعه به استقلال نرسد، امکان پیشرفت واقعی وجود ندارد.

حضرت امام خمینی نیز بارها این موضوع را گوشزد کرده بودند و تأکید داشتند که شرق باید در غرب را ببندد، در غیر این صورت استقلال واقعی حاصل نمی‌شود. در سخنرانی‌های خود نیز خطاب به مردم می‌گفتند: شما باید خودتان غرب‌زده‌ها را از این کشور بیرون کنید، زیرا هیچ قدرتی بالاتر از قدرت مردم نیست.

رهبر انقلاب بر این موضوع تأکید می‌کنند که مشکل اساسی غرب‌زدگی، فقط تقلید کورکورانه از غرب نیست، بلکه ناتوان‌سازی اراده ملی از درون است. تا زمانی که اراده ملی تضعیف شود، مسیر پیشرفت نیز مسدود خواهد ماند. این موضوع یک نگاه تئوریک و عملی مهم است که اساس مدیریت آینده کشور را شکل می‌دهد.

## نقش مردم در تحولات اجتماعی و حکمرانی مردمی

رهبر انقلاب بارها تأکید کرده‌اند که مسئله اصلی، مسئله مردم است. حضور مردم، میل مردم، اراده مردم و عزم راسخ آنان در تحولات اجتماعی نقشی تعیین‌کننده دارد. ایشان اشاره می‌کنند که «در هر نقطه‌ای که کار به دست مردم سپرده شد، صحنه در اختیار مردم قرار گرفت و آنان دارای هدف بودند، سخت‌ترین کارها نیز انجام‌پذیر شد». این همان اصل بنیادینی است که تفاوت میان «حاکمیت مردم» و «حکمرانی مردمی» را مشخص می‌کند.

درک این اصل نیازمند اعتماد به مردم و پذیرش نقش آنان در صحنه مدیریت کشور است. برخی از گروه‌ها هنوز آمادگی پذیرش این حقیقت را ندارند و ترجیح می‌دهند که نقش مردم را محدود کنند. اما رهبر انقلاب تصریح می‌کنند که واگذاری صحنه به مردم، نه تنها یک ضرورت، بلکه یک راهکار بنیادین برای حل مشکلات کشور است. ایشان تأکید دارند که «صحنه را به مردم بسپارید؛ بگذارید خودشان تحلیل کنند، خودشان تدبیر کنند و خودشان مشکلات را حل کنند».

## ضرورت تجربه و افزایش ظرفیت عقلانی مردم

یکی از نکات مهمی که حضرت امام خمینی و رهبر انقلاب بر آن تأکید داشتند، افزایش ظرفیت عقلانی جامعه از طریق تجربه و مشارکت مستقیم مردم در تصمیم‌گیری‌ها است. این موضوع در بسیاری از وقایع تاریخی قابل مشاهده است. برای مثال، شهید بهشتی نقل می‌کند که وقتی گروهی نزد امام رفتند و از عملکرد بنی‌صدر انتقاد کردند، امام پاسخ داد: «مردم به او خوش‌بین‌اند، بگذارید خودشان تجربه کنند».

این رویکرد مبتنی بر این باور است که مردم باید خودشان تجربه کنند، اشتباه کنند و در نتیجه، ظرفیت عقلانی‌شان افزایش یابد. همان‌طور که رهبر انقلاب در خصوص دولت روحانی تصریح کردند: «من می‌خواهم ظرفیت عقلانی مردم بالا برود».

گاهی برخی افراد از دلسوزی بیش از حد، مانع از کسب تجربه مردم می‌شوند. اما این دلسوزی همیشه به نفع جامعه نیست. درست مانند مادری که از فرزند خود مراقبت بیش از حد می‌کند و اجازه نمی‌دهد او خطرات را تجربه کند. اما رهبر انقلاب تأکید دارند که «گاهی لازم است افراد اشتباه کنند تا یاد بگیرند».





## موانع درک صحیح از نقش مردم در حکمرانی

متأسفانه، برخی جریان‌ها هنوز این نگاه را درک نکرده‌اند. غرب‌زدگی یکی از عواملی است که مانع از تحقق اراده ملی و مشارکت واقعی مردم در مدیریت کشور می‌شود. حضرت امام خمینی بارها هشدار دادند که شرق باید در غرب را ببندد تا به استقلال واقعی برسد. اما تا زمانی که برخی افراد هنوز در ذهن خود به غرب تکیه دارند، امکان تحقق استقلال کامل فراهم نخواهد شد.

رهبر انقلاب با نگاهی عمیق به تحولات اجتماعی، این موضوع را بارها گوشزد کرده‌اند که کارها را به مردم بسپارید، انگیزه‌های مردمی و نیروهای متنوع، مشکلات را حل خواهند کرد. این نگاه، برخلاف تصور رایج که آن را یک رویکرد احساسی می‌داند، در واقع یک دیدگاه عمیق مدیریتی و جامعه‌شناختی است.

## اراده ملی و نقش مردم در معجزه‌های اجتماعی

از ابتدای انقلاب تاکنون، هرگاه کارها به مردم محول شده، آن کار پیش رفته است. این، یک گزارش عینی از تجربه انقلاب اسلامی است. رهبر انقلاب بارها تأکید کرده‌اند که «کار را بدهید دست مردم، صحنه را بسپارید به مردم». در مقابل، هرگاه کارها در انحصار مسئولان و نهادهای دولتی قرار گرفته، متوقف شده است.

اما چرا اراده ملی این قدر مهم است؟ این مسئله فقط یک توصیه مدیریتی نیست، بلکه یک اصل قرآنی است. رهبر انقلاب تصریح می‌کنند که «اراده ملی، جان‌مایه پیشرفت همه‌جانبه و حقیقی است». اما پشت این گزاره، یک نگاه قرآنی عمیق وجود دارد که بسیاری آن را درک نکرده‌اند.

## انقلاب اسلامی، یک معجزه اجتماعی

رهبر انقلاب در تحلیل خود از انقلاب اسلامی، آن را یک معجزه می‌دانند، نه صرفاً یک تحول اجتماعی. اما چرا؟ ایشان توضیح می‌دهند که معجزه‌های اجتماعی برخلاف معجزاتی مانند اژدها شدن عصای موسی، مستقیماً به اراده انسان‌ها وابسته‌اند.

اینجا آیه‌ای کلیدی از قرآن مطرح می‌شود: **إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ**

این یعنی تغییر سرنوشت یک ملت، وابسته به اراده جمعی آنان است. رهبر انقلاب گلایه می‌کنند که جهان اسلام، به دلیل درک نکردن این معرفت قرآنی، به فلاکت افتاده است و تا زمانی که به این آیه ایمان نیاورد، از این فلاکت خارج نخواهد شد.

ایشان می‌فرمایند: اگر اراده ملی شکل بگیرد، خداوند خود وارد صحنه می‌شود این نگاه، فراتر از تحلیل‌های جامعه‌شناسی یا سیاسی معمول است. رهبر انقلاب تأکید دارند که «ما باید حرف‌های خود را از قرآن بگیریم، نه از نظریات غربی»

## اراده ملی، محور حرکت عمومی

رهبر انقلاب بر این مسئله اصرار دارند که پیشرفت یک جامعه، بر پایه حرکت عمومی مردم است. چرا؟ چون حرکت عمومی مردم، همان اراده ملی است. چون اراده ملی، جان‌مایه پیشرفت همه‌جانبه و حقیقی است. چون اگر اراده ملی شکل بگیرد، خداوند خود وارد صحنه می‌شود.

در نتیجه، رهبر انقلاب بر ضرورت فهم این نگرش تأکید دارند و می‌فرمایند که ما نباید خود را معطل نظریه‌های جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و علوم سیاسی غربی کنیم. آنچه در انقلاب اسلامی رخ داده، یک تحول فکری و معرفتی است که باید درک و تقویت شود.



از ابتدای انقلاب تاکنون، هرگاه کارها به مردم محول شده، آن کار پیش رفته است. این، یک گزارش عینی از تجربه انقلاب اسلامی است. رهبر انقلاب بارها تأکید کرده‌اند که «کار را بدهید دست مردم، صحنه را بسپارید به مردم». در مقابل، هرگاه کارها در انحصار مسئولان و نهادهای دولتی قرار گرفته، متوقف شده است.

## راه‌های ارتباطی با ما

❖ سایت ما

harekat.net

❖ کانال مدرسه گفتمانی بینات در ایتا

neshastebayenat

